

زینب، الگوی حضور

محمد عابدی



الگوی حضور کیست؟

حضور زن در عرصه‌های گوناگون، در راستای توسعه همه جانبه است. صاحبان این دیدگاه خود را در مقابل پیشرفت‌های تکنولوژی غرب مقهور نمی‌بینند.

گروه سوم نیز وجود دارد و آن دسته، دسته متحجران فکری‌اند که همواره کوشیده‌اند، سلايق خود را به نام دین در عرصه ترسیم مرزها به کار گیرند و بر آن اساس دچار افراط‌هایی شده‌اند که اساس حضور زن در اجتماع را به انحراف کشانده و مانع اساسی در راه توسعه جوامع اسلامی ایجاد کرده‌اند.

از این دیدگاه ارائه الگویی موفق از زنان اسلامی که با حفظ معیارهای دینی (از جمله حجاب) در عرصه‌های

گسترش روزافزون ارتباطات فرهنگی، جوامع مختلف را با فرآورده‌های فکری جدیدی که منعطف به تجربه‌ها و خواسته‌های غرب است رو به رو کرده است. در این بین جوامع اسلامی به دلایل متعدد از جمله: خوددباختگی و مرعوب شدن در برابر پیشرفت تکنولوژی غرب، بیش از آنچه غرب از آنان بیاموزد، چشم به غرب دوخته‌اند و برای حضور زن در عرصه اجتماع، خصوصاً مسئله حجاب و پوشش، الگوهای غربی را برگزیده‌اند.

در کنار چنین رویکرد وابسته، رویکردی دینی نیز وجود دارد و آن ترسیم مرزهای حقیقی دین برای

این لحظه جدایی است و دیدار در بهشت است.» در پی این درخواست به دلیل آن که گروه دیگری از مردان (سلمان، عمار یاسر، مقداد، ابوذر و حذیفه) نیز از واقعه شهادت مطلع و احیاناً حاضر بودند،^۲ بانوان و دختران با رعایت پوشش کامل برای وداع در آن شرایط جانسوز حاضر شدند و در مورد شیوه پوشش حضرت زینب علیها السلام می نویسند:

«... زینب برقی (روپوشی) آویخته و بدن خود را به ردایی پوشیده بود؛ دامن کشان همی بیامد و همی گفت: یا رسول الله! الآن حقاً فقدناک؛ ای رسول خدا! واقعاً امروز تو را از دست دادیم. دیگر تو را دیدار نخواهیم کرد...»^۳

۲- شیوه زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در این باره نیز هم حضرت زینب علیها السلام و هم امام علی علیه السلام توجه ویژه ای داشتند تا حضور حضرتش با حفظ منزلت وی همراه باشد. یحیی مازنی می گوید:

«هرگاه زینب علیها السلام می خواست شب به زیارت قبر جد خود، رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم برود، امام حسن و امام حسین علیهما السلام از دو طرف او حرکت می کردند و خواهر خود را در حالی که در وسط قرار داده بودند، به سوی حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می بردند و علی علیه السلام

اجتماعی حضور یافته اند، می تواند حجتی در برابر گروه اول (غرب زدگان) و گروه سوم (متحجران) و مؤید و راهنمایی برای گروه دوم (واقع گرایان دینی) باشد. از این منظر ما گوشه ای از زندگی حضرت زینب علیها السلام را به تماشا می نشینیم تا ببینیم حضرت زینب علیها السلام چگونه توانست با حفظ پوشش، الگویی برای حضور زن مسلمان در اجتماع - خصوصاً با مسأله پوشش اسلامی که امروزه مورد توجه و خرده گیری است - باشد.

الف - زینب (س) قبل از کربلا:

حیات اجتماعی حضرت زینب علیها السلام را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

الف: دوره اول، از آغاز تا قبل از کربلا که به دو نمونه از حضور اجتماعی حضرت اشاره می شود:

۱- شیوه حضور برای وداع با مادر

وقتی امام علی علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را غسل داد؛ با حنوط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حنوط کشید؛ کفن کرد و خواست ردا را ببندد، فرمود: «یا ام کلثوم، یا زینب! یا سکینه! یا فضا! یا حسن! یا حسین! هلموا تزودوا من امکم. فهذا الفراق و اللقاء فی الجنة؛ ای ام کلثوم، ای زینب! ای فضا! ای حسن! ای حسین! بشتابید و از مادرتان بهره گیرید که

گسترش روزافزون ارتباطات
فرهنگی، جوامع مختلف را با
فرآورده‌های فکری
جدیدی که منعطف به تجربه‌ها
و خواسته‌های غرب است
رو به رو کرده است.
در این بین جوامع اسلامی
به دلایل متعدد از جمله:
خودباختگی و مرعوب شدن
در برابر پیشرفت
تکنولوژی غرب، بیش از آنچه
غرب از آنان بیاموزد،
چشم به غرب دوخته‌اند و
برای حضور زن
در عرصه اجتماع،
خصوصاً مسأله حجاب و
پوشش، الگوهای غربی را
برگزیده‌اند

هم کسی را می‌فرستاد تا قبل از آن که زینب
وارد حرم شود، چراغ‌های حرم را خاموش
کند تا نامحرمی به سوی او نگاه نکند.»^۴

ب - حضرت زینب علیها السلام و نهضت

کربلا:

در این باره می‌توان تلاش برای حفظ
کرامت و عفاف بانوان از جمله حضرت
زینب علیها السلام را به دو بخش تقسیم کرد: اول
اقداماتی که امام حسین علیه السلام برای حفظ
شخصیت و عفاف آنان انجام داد تا در عین
حضور در چنین صحنه و معرکه‌ای
مقامشان نیز آسیب نبیند. دوم اقداماتی که
اهل بیت و زینب کبری علیها السلام برای حفظ
عفاف و حجاب خود انجام دادند تا ضمن
ادای رسالت حضور در صحنه اجتماع و
جنگ، ملاک‌های حضور را نیز مراعات
کنند.

۱- اقدامات امام:

در این باره می‌توان به موضوع حفر
خندق که مانع از حمله دشمن از پشت سر^۵
یا بر پا ساختن خیمه‌ها به صورت درهم و
کنار هم که موجب ایجاد امنیت برای بانوان
در مقابل نفوذ و حمله ناگهانی دشمن
می‌شد، اشاره کرد.^۶ آما به یادماندنی‌ترین
فراز همان سخنان امام علیه السلام است که از
گودال قتلگاه برخاست و تا به امروز در

گوش جهانیان طنین انداز است. آری! بعد از آن که امام علیه السلام تمام یاران خود را از دست داد و یکه و تنها ماند، به تحریک عمر سعد از هر سو امام علیه السلام را محاصره و به او حمله کردند. به این ترتیب بین حضرت و خیمه‌ها فاصله ایجاد کردند و خیمه‌های بانوان در معرض خطر قرار گرفت. در این هنگام بود که ندای جاوید امام علیه السلام به گوش رسید: «و یحکم یا شیعة آل ابی سفیان! ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم و ارجعوا الی احسابکم اذ کنتم اعراباً!

وای بر شما! ای رهپویان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز حساب نمی‌ترسید، در دنیای خود آزاد مرد باشید و به حسب (شرافت قبیله‌ای ...) خود بنگرید چون شما عرب هستید.»

در این لحظه شمر ندا برآورد که ای فرزند فاطمه! چه می‌گویی؟ امام فرمود: «اقول انا الذی اقاتلکم و تقاتلون و النساء لیس علیهنّ جناح فامنعوا عتاکم عن التّعرض لحرمی ما دمت حیاً!»^۷ می‌گویم من با شما می‌جنگم و شما با من در نبردید. زنان گناهی ندارند، پس تا من زنده‌ام، عصیانگری خود را از حرم من باز دارید.» نمونه‌ای دیگر از تلاش امام برای

حفظ و پاسداشت منزلت بانوان را می‌توان در جریان خبری که در کتاب مناقب آل ابی طالب نقل شده به عیان دید: «امام بعد از شهادت تمام یاران، برای تجدید قوا به سوی رود فرات تاخت و خود را به آب رساند. همین که خواست جرعه‌ای آب بنوشد، شخصی از لشکر عمر سعد فریاد زد: یا ابا عبدالله! تلتذذ بشرب الماء و قد هتکت حرماً؟! ای ابا عبدالله! با نوشیدن آب لذت می‌بری، حال آن که به حرم تو تعرض می‌شود؟! ... امام بلافاصله حتی بی آن که آب بنوشد، آبی را که در دست گرفته بود، بر زمین ریخت و با شتاب به سوی خیمه‌ها آمد و دید به خیمه‌ها تعرضی نشده است.»^۸

۲- نقش بانوان و زینب علیها السلام در حفظ

منزلت

حضرت زینب علیها السلام و دیگر بانوان در طول مدّت جنگ هرگز در برابر مصیبت‌های جانگداز اختیار از دست ندادند و از حریم عفاف خارج نشدند. آن‌گاه که امام علیه السلام به شهادت رسید، لشکر غارتگر به قصد غارت به خیمه‌ها یورش برد. ابن طاووس می‌نویسد: «تسابق القوم علی نهب بیوت آل الرّسول و قرّة عین البتول حتّی جعلوا ینتزعون ملحفة المرثة علی ظهرها و

در پی آن بود که بانوان را بی پوشش از خیمه‌ها بیرون راندند و خیمه‌ها را آتش زدند.^{۱۰} حضرت زینب علیها السلام و زن‌های اهل بیت، در وضعیت پیش آمده برای حفظ عفاف و حجاب خود اقدامات ذیل را انجام دادند:

۱- فرار بانوان از معرض خطر

اهل بیت و حضرت زینب علیها السلام در مقابل این رفتارهای خشن و خلاف، چاره‌ای جز فرار نداشتند. علامه مجلسی به نقل از فاطمه صغرا، دختر امام حسین علیه السلام می‌نویسد: «جلوی خیمه ایستاده بودم و بر پیکر قطعه قطعه شده پدر و یارانش و صحنهٔ تاختن اسب‌ها بر پیکرشان نگاه می‌کردم و با خود می‌اندیشیدم که اینان بعد از پدر، با ما چه خواهند کرد! که ناگهان متوجه شدم سواری به سوی زنان یورش می‌برد و با ته نیزه آنان را می‌راند و آن‌ها هم به یکدیگر پناه می‌برند و چادرها و مقنعه‌های زنان گرفته شده و فریاد و امحماه! و اعلیاه! و اجداه! و ابتهاه و... بلند است. قلبم فرو ریخت و با وحشت به جست و جوی عمه‌ام ام کلثوم (زینب) پرداختم. در همین لحظات بود که دیدم آن سوار به سوی من می‌آید. با سرعت از آن جا گریختم ولی او

خرج بنات آل رسول الله و حریمه يتساعدون علی البکاء؛^۹

مردم برای غارت خانه‌های اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و نور چشم فاطمه علیها السلام حمله بردند. حتی چادری که زن به کمرش بسته بود می‌کشیدند و می‌بردند و دختران و زنان خانندان پیامبر صلی الله علیه و آله از خیمه‌ها بیرون ریختند و دسته جمعی می‌گریستند.»

ابن طاووس در ادامه از غیرت زنی از طایفه بکر بن وائل که به همراه شوهرش در میان اصحاب عمر بن سعد بود، یاد می‌کند و می‌نویسد: «فلما رأت القوم قد اقتحموا علی نساء الحسین علیهم السلام و فسظاظهن و هم یسلبونهن اخذت سیفاً واقبلت نحو الفسظاظ و قالت یا آل بکر بن وائل أتسلب بنات رسول الله صلی الله علیه و آله لا حکم الا لله یا لثارات رسول الله صلی الله علیه و آله فاخذها زوجها و ردها الی رحله؛ آن زن وقتی دید مردم [به یک باره] بر زنان [و دختران] حسین علیه السلام و خیمه‌های آن‌ها تاختند و لباس از تن آن‌ها بیرون می‌آوردند، شمشیری به دست گرفت و رو به خیمه آمد و فریاد زد: ای مردان قبیلهٔ بکر! آیا لباس از تن دختران رسول خدا به یغما برده می‌شود؟ حکمی نیست جز حکم خدا، ای کشندگان رسول خدا! شوهرش دستش را گرفت به جایگاهش برگرداند.»

تا آخرین لحظه [بلاخره زن مغلوب می شد و چادر یا لباسش غارت می شد].^{۱۲}

۳- مطالبه پوشش‌های غارت شده

بانوان در اولین فرصتی که برای ابراز درخواست می‌یابند، تقاضای بازگرداندن چادرها و حجاب‌هایشان را می‌کنند. به نقل از حمید بن مسلم:

«وقتی به علی بن الحسین که بسیار مریض و در بستر افتاده بود رسیدیم، عمر سعد آمد، زنان در مقابل او شیون کردند و او متأثر از آن چه می‌دید گفت: هیچ کدام حق ندارید به خانه‌های این زنان وارد شوید یا متعرض این جوان مریض شوید. زنان نیز از او درخواست کردند که دستور دهد لباس‌های غارت شده را برگردانند او نیز دستور صادر کرد ولی به خدا سوگند، هیچ کس دستور را اجرا نکرد.»^{۱۳}

ج - حضرت زینب علیها السلام و دوران

اسارت

بخش سوم از حضور حضرت زینب علیها السلام مربوط به دوران اسارت می‌شود که در این دوره نیز وی بارها کوشید موضوع پوشش و حجاب را پیش کشد و به هر نحو ممکن آن را برای خود و دیگر بانوان فراهم سازد که به نمونه‌هایی از آن

به طرف من آمد و به یک باره ضربه سنگین ته نیزه را بر کتف خود احساس کردم و با صورت به زمین افتادم. او مقنعه‌ام را کشید و گوشواره‌ام را از گوشم کند و خون بر گونه‌هایم جاری شد و بی‌هوش شدم. وقتی به هوش آمدم. عمه‌ام را در کنار خود دیدم که گریه می‌کند و می‌گوید: بلند شو؛ برویم؛ ببینیم بر سر خواهران و برادرت چه آمده است! گفتم: «یا عمته! اهل من خرقة استر بها رأسی عن اعین النظار؟ ای عمه! آیا پارچه‌ای هست که با آن سرم را از چشم‌های تماشاچیان بپوشانم؟» فرمود: «یا بنتاه و عمّتك مثلک؛ دخترم عمه‌ات نیز مثل تو است.» و من نگاه کردم دیدم سرش برهنه و دستش از شدت ضربه‌ها کبود شده است.»^{۱۱}

۲- مقاومت در برابر هتک حجاب

علاوه بر این اهل بیت و بانوان در برابر این هجوم و حشیانه تا آن جا که می‌توانستند در همان صحنه نابرابر هم مقاومت می‌کردند تا حجاب و عفافشان آسیب نبیند. لذا مرحوم مفید به نقل از حمید بن مسلم می‌نویسد: «به خدا قسم بارها دیدم که زنی از زنان یا دختران اهل بیت امام حسین را که چادرش از پشت سر گرفته و کشیده می‌شد [بعد از مقاومت زنان

اشاره می‌شود:

۱- شیوه سخنرانی زینب علیها السلام در جمع مردم کوفه

بانوان اهل بیت علیهم السلام را وارد شهر کوفه کردند. زینب علیها السلام مصمم بود تا دل‌های کوفیان را منقلب کند. تصمیم گرفت در جمع آنان خطبه بخواند - خطبه‌ای آتشین که دل‌ها را به آتش کشد و جان‌ها را سوزاند - اما مهم نحوه سخن گفتن اوست. شهید مطهری اوج عفاف و منزلت زینب را در این هنگامه به خوبی به تصویر می‌کشد: «... زینب شاید از روز تاسوعا اصلاً خواب به چشمش نرفته. سرهای مقدس را قبلاً برده بودند... وضع عجیبی است، غیر قابل توصیف. دم دروازه کوفه دختر علی، دختر فاطمه، این جا تجلی می‌کند. این زن با شخصیت که در عین حال زن باقی ماند و گران بهاء، خطابه‌ای می‌خواند، راویان چنین نقل کرده‌اند که در یک موقع خاصی زینب موقعیت را تشخیص داد و «قد اومات» دختر علی یک اشاره کرد... گویی نفس‌ها در سینه حبس شد و صدای زنگ‌ها و هیاهوها خاموش شد... راوی گفت: «ولم ار واللّه خفرة قط اخلق منها» این «خفزه» خیلی ارزش دارد. خفزه یعنی، زن با حیا،

این زن نیامد مثل زن بی حیا حرف بزند. زینب آن خطابه را در نهایت عظمت القا کرد... این است نقش زن به شکلی که اسلام می‌خواهد. شخصیت در عین حیا، عفاف، عفت، پاکی و حریم.^{۱۴}

۲- مجلس عبیدالله بن زیاد

ابن زیاد که حداکثر بی‌شرمی را نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روا داشته بود، در آستانه ورود اسرا نیز مجلس جشنی برقرار کرد. او مجلس مفصلی تدارک دید و دستور داد سر شهدا را نیز بیاورند پس از آن اهل بیت علیهم السلام را وارد کردند. شیخ مفید می‌نویسد: «دخلت زینب علی ابن زیاد و علیها ارذل ثیابها و هی متکرة» و ابو مخنف می‌نویسد: «هی تستر وجهها بکها» و طریحی در منتخب می‌نویسد «کانت تتخفی بین النساء و هی تستر وجهها بکها لان قناعها أخذ منها» آری، هنگامی که زینب به مجلس پسر زیاد وارد می‌شد، پست‌ترین لباس به تن داشت و صورتش را با آستین پوشانده بود، او میان زنان، خود را مخفی می‌کرد و صورتش را با آستین می‌پوشاند، چون مقنعه‌اش را از او گرفته بودند. و در تاریخ طبری نیز آمده که در گوشه‌ای نشست و زنان و دختران دورادور او را گرفتند.^{۱۵}

به این ترتیب زینب علیها السلام در این

مجلس نیز نهایت تلاش را برای حفظ عفاف و پوشش به کار برد. همین کار توجه ابن زیاد را جلب کرد و او پرسید: «این زن کیست؟ پاسخی نشنید، بار دوم هم پاسخ نشنید و بار سوم یکی از دختران جواب داد: «هذه زينب بنت فاطمة بنت رسول الله ﷺ» این زیاد به گمان این که با این همه فشاری که بر بانوان آورده، حالا می تواند استفاده ای عوام فریبانه هم از وجود آنان ببرد، گفت: «الحمد لله الذي افضحكم و قتلکم و اکذب احدو ثقتکم؛ شکر خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و افسانه شما را دروغ نمود» اما زینب سخن او را بی پاسخ نگذاشت و فرمود: «الحمد لله الذي اکرمننا بنبيّه محمّد و طهرنا من الرّجس تطهيراً انما يفتضح الفاسق و يکذب الفاجر و هو غيرنا و الحمد لله...؛ ستایش خدای راست که ما را به وجود پیامبرش گرامی داشت و ما را از پلیدی پاک ساخت، به درستی که فاسق رسوا می شود و فاجر دروغ می گوید و او غیر از ماست و ستایش مخصوص خداست.» آن گاه ابن زیاد پرسید: رفتار خدا با برادر و خاندان خود را چگونه دیدی؟ حضرت زینب رضی الله عنها پاسخ داد: «ما رأيت الاّ جميلاً هؤلاء قوم كتب الله عليهم القتل فبرزوا الى مضاجعهم و سيجمع الله بينک و

بينهم فتحاج و تحاصم فانظر لمن يكون الفلج يومئذ هبلك أمک يابن مرجانه؛^{۱۶} من جز نيکی ندیدم. اینان مردمی بودند که خداوند کشته شدن را برای آن ها مقرر فرموده بود و آنان نیز به آرامگاه خود شتافتند. ولی بدان که [به زودی خدا میان تو و ایشان جمع می کند و تو را بازخواست می کند. پس نگران باش که در آن روز پیروزی از آن کیست؟ ای پسر مرجانه! مادرت به عزایت بنشیند.»

۳- تقاضای دور نگاه داشتن سرها از

کاروان

به محض آن که نامه عبیدالله بن زیاد به یزید رسید، وی دستور داد که سر بریده امام و دیگران را همراه با اموال و زنان و عیالات حضرت به شام بفرستند. او نیز محضر بن ثعلبه عاندی را مأمور کرد تا اسیران را همچون کفار شهر به شهر ببرد و به شام بفرساند. با هر مصیبتی بود، کاروان به شام نزدیک شده، ام کلثوم (زینب) به شهر نزدیک شد و فرمود: «نیازی دارم... اذا دخلت بنا البلد فاحملنا في درب قليل النظارة و تقدم اليهم ان يخرجوا هذه الرؤوس من بين الحامل و ينحونا عنها فقد خزينا من كثرة النظر اليها و نحن في هذه الحال؛^{۱۷} ما را که به این شهر می بری، از دروازه ای ببر که تماشاگر

ای کاش! بزرگان قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند، اکنون زنده بودند و زاری قبیله خزرج را از زدن شمشیرها و نیزه‌ها می‌دیدند. در آن وقت از شدت خوشحالی فریاد می‌کشیدند که ای یزید! دست تو درد نکند.» این حرکات، خشم برخی مانند ابو بربه سلمی را برانگیخت. باری، موقعیت مناسب برای حضرت زینب کبری علیها السلام فراهم آمد. او برخاست و خطبه‌ای خواند که تمام رشته‌های یزید را پنبه کرد. از جمله در مورد سلب حجاب بانوان فرمود:

«... امن العدل یابن الطلقا تخدیرک حرائک و اماتک و سوقک بنات رسول اللّٰه سبایا؟ قد هتکت ستورهنّ و ابدیت و جوههنّ تحدوهنّ الاعداء من بلد الی بلدٍ و یسرفهنّ اهل المناهل و المنافل و یتصفّح و جوهی القریب و البعید و الدنی و الشّریف و لیس معهنّ من رجاهنّ ولیّ و لا من مُماتهنّ مُمی...»^{۱۹}

ای فرزندان آزادشدگان! این رسم عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای داده‌ای ولی دختران رسول خدا را اسیر در برابرت [به طوری که] پرده‌های احترامشان هتک شده و صورت‌هایشان نمایان، آنان را دشمنان شهر به شهر می‌گردانند و در مقابل

کمتر باشد و [دیگر این که] به این‌ها پیشنهاد کن سرها را از میان کجاوه‌ها بیرون ببرند و ما را از آن‌ها دور کنند که از بس ما را به این حال دیدند، خوار شدیم.» که البته شمر به دلیل خیاباتی که داشت، درست بر عکس توصیه حضرت عمل کرد. حضرت سکینه علیها السلام نیز از راهی دیگر کوشید به این هدف برسد و یکی از حاضران (سهل بن سعد) به توصیه حضرت مبلغ چهارصد دینار به مأمور مربوطه داد تا سرها را از بین جمعیت بیرون ببرد و او نیز چنین کرد^{۱۸} و به این ترتیب تلاش بانوان برای حداقل کمتر دیده شدن به نتیجه رسید.

۴- در مجلس یزید

در این مجلس وقایع شرم‌آوری روی داد که تقاضای به کنیزی دادن فاطمه بنت الحسین، را می‌توان نام برد که با درایت حضرت زینب علیها السلام خنثی شد و بعد جسارت و اشعار کفرآمیز یزید. به نوشته ابن طاووس: یزید چوب خیزرانی به دست گرفت و با آن به دندان‌های امام کوبید و این اشعار را خواند:

«لیت اشیاخی ببدر شهودا

جزع الخزرج من وقع الاسل

لاهلوا واستهلوا فرحاً

ثم قالوا یا یزید لاتشل!

متحجران فکری

سلايق خود را به نام دين

در عرصه ترسيم مرزها

به کار گرفته

و بر آن اساس

دچار افراطهايي شده‌اند

که اساس حضور زن در

اجتماع را به انحراف

کشانده و مانع

اساسی در راه توسعه

جوامع اسلامی

ایجاد کرده‌اند

دیدگان مردم بیابانی و کوهستانی و

در چشم‌انداز هر نزدیک و دور و پست و

شریف، نه از مردانشان سرپرستی دارند و

نه از یارانشان حمایت کننده‌ای؟»

بنابراین حضرت زینب علیها السلام در

آخرین لحظات اسارت نیز دست از

اعتراض به خاطر هتک حجاب بانوان

برنمی‌دارد و آن را به عنوان سند خباثت

یزید بارها و بارها مطرح می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹؛ دلائل الامامة، طبری، ص ۴۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۱۰.

۳- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۱. نقل از عمدة الطالب و ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۹۱.

۴- زینب کبری، علامه نقدی، ص ۴۰؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۰ و خصائص زینبیه، سید نورالدین جزیری، ص ۱۶۹.

۵- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۵.

۶- همان، ص ۹۳.

۷- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۱ و اللهوف علی فتلی الطوف، سید بن طاووس، ص ۱۱۹.

۸- مناقب آل ابی طالب، ابوالفرج اصفهانی، ج ۴، ص ۵۸ و بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

۹- اللهوف، صص ۱۳۲ و ۱۳۱.

۱۰- همان، ص ۱۳۲ و ابن نمادر مشیر الاحزان می‌گوید: «ثم اشتغلوا بنهب عیال الحسین و سانه حتی تسلب المرأة مقنعتها من رأسها و خاتمتها من اصبعها و قرطها من اذنها و حجلها من رجلها...» و ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۱۰۵.

۱۱- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۶۰ و ۶۱.

۱۲- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۱۲.

۱۳- همان، ص ۱۱۳.

۱۴- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۳۳۶. متن روایت در لهوف، ص ۱۴۶؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۰۸ و مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۲، ص ۴۰.

۱۵- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۱۴۱ و بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

۱۶- ارشاد مفید، ص ۲۴۴؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۶۳ و لهوف، ص ۱۶۰.

۱۷- لهوف، ص ۱۷۴ و بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۷.

۱۸- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۷.

۱۹- همان، ج ۴۵، ص ۱۳۴؛ احتجاج طبرسی، ص ۱۲۲؛ جلاء العیون، ص ۷۳۷ و لهوف، ص ۱۸۲.